



گویند. اگر بیمه اتکایی، بیمه خارجی باشد، در نتیجه شرکت بیمه داخلی، باید حق بیمه مجدد را به صورت ارزش به شرکت بیمه‌گر اتکایی بپردازد که همین امر، سبب خروج ارزش از کشور شده و تراز بازرگانی، به ضرر کشور مبدأ می‌گردد. در نتیجه، مهمترین مسأله‌ای که باید بدان توجه کرد، این است که حتی المقدور سعی شود بیمه اتکایی در کشورمان توسط بیمه‌گران داخلی انجام شود تا بدین ترتیب، صادرات تقویت شده و تراز بازرگانی به نفع کشور تغییر کند.

شرکت‌های بیمه در توزیع سود و زیان اقتصادی یک کشور به بازارهای بین‌المللی - تحت حوادث گوناگون، نقش بسزایی را ایفا می‌کنند، زیرا شرکت‌های بیمه با توجه به امکانات مالی خود، قسمتی از ریسک را تقبل کرده و بخش دیگر را به شرکت بیمه اتکایی واگذار می‌نمایند و در این صورت، با بروز سود یا زیان، این ریسک، در سطح بین‌المللی توزیع شود.

صنعت بیمه با ایجاد آرامش روحی و امنیت، باعث از بین رفتن نگرانی‌های ناشی از حوادث ناگهانی شده و از این طریق، به بهبود کیفیت زندگی مردم و فعالیت‌های اقتصادی کمک می‌کند.

### موانع و راهکارها

با توجه به اهمیت بسزای بیمه، متأسفانه هنوز صنعت بیمه با مشکلاتی مواجه است و نتوانسته جایگاه واقعی خود را به دست آورد. از جمله مشکلات این صنعت را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

(۱) مهمترین عامل در پیشرفت هر صنعت، مسأله رقابتی بودن آن است، ولی در کشور ما، صنعت بیمه با نگاه دولتی صنعت بیمه روبه‌رو است و تا زمانی که در این بخش، خصوصی‌سازی واقعی انجام نگیرد، سهم رشد اقتصادی در این صنعت به کندی صورت می‌پذیرد و پس‌اندازهای ناشی از حق بیمه‌های دریافتی در بازار سرمایه نیز، اندک خواهد بود.

دستگاه قضایی و پلیس سالم: با دستگاه قضایی و پلیس ناسالم، مبارزه با فساد، توهمی بیش نخواهد بود. دستگاه قضایی و نیروی انتظامی عادلانه که بر مبنای مبارزه با رفتارهای تبعیض‌آمیز در سطوح خرد و کلان جامعه استوار باشد، زمینه‌ساز حرکت‌های اصلاحی در راستای مبارزه با فساد در همه ابعاد آن است.

همکاری‌های بین‌المللی: برای فراتر رفتن مسأله مبارزه با فساد از مرزهای ملی، وجود همکاری و تبادل اطلاعات فراملی ضروری است. فساد، محدود به یک کشور یا یک منطقه نیست و در صورت عدم همکاری‌های بین‌المللی، سرعت فراگیری آن بسیار بالا است.

آزادی مطبوعات: از آنجا که آگاهی مردم از مقررات و وظایف دولت، یک پیش‌شرط مبارزه با فساد می‌باشد، مطبوعات می‌توانند در تقویت طرز تفکر مبارزه با این پدیده شوم نقش بسزایی را ایفا نمایند. ■

جمع‌آوری اطلاعات و نتیجه‌گیری‌ها، ادارات مستقلی ایجاد نموده‌اند. در برخی کشورها، این ادارات، هیچگونه وابستگی اداری و مالی به قوه مجریه و حتی اداره پلیس ندارند و کاملاً مستقل عمل می‌نمایند.

رقابتی کردن هرچه بیشتر اقتصاد: اقداماتی که در راستای رقابتی کردن هرچه بیشتر اقتصاد و نهایتاً کاهش فساد اعمال می‌گردد، عبارتند از: حذف انحصارات دولتی و آزادسازی (اعم از قیمت‌ها، موانع تعرفه‌ای و غیره)، تقویت نهادهای نظارتی، ایجاد بخش خصوصی رقابتی، اصلاح مدیریت بخش عمومی دولتی، منطقی کردن حقوق و دستمزد کارمندان دولت، اصلاحات ساختاری در حوزه‌هایی مانند مالیات و قوانین معاملات خصوصی، اصلاح مدیریت دولتی و کوچک‌سازی دولت، بهبود نظام‌های مدیریت مالی و ادارات حسابرسی، تک‌نرخ کردن ارز، تثبیت نرخ‌های بهره، حذف یا کاهش انبوه مقررات و شفاف کردن قوانین.

### بیمه و رشد اقتصادی

## ثروتی به نامه بیمه

استفاده بهینه از ذخایر فنی و به خصوص سرمایه‌گذاری این وجوه در بازار سرمایه، منجر به توسعه اقتصادی می‌شود.

بیمه‌ها، معمولاً حق بیمه از قبل دریافت می‌شود که این حق بیمه‌ها، وجوه بسیار هنگفتی را تشکیل می‌دهند. این وجوه عظیم، می‌تواند در بخش‌های مختلف اقتصادی وارد شده و باعث توسعه سرمایه‌گذاری شود که از جمله نتایج این سرمایه‌گذاری‌ها، اشتغال‌زایی در کشور می‌باشد. می‌توان گفت که انتخاب بهینه‌ترین اقدام در نحوه بکارگیری این وجوه دریافتی، در جهت رشد اقتصادی کشور، از تصمیمات مهمی است که باید به آن پرداخت.

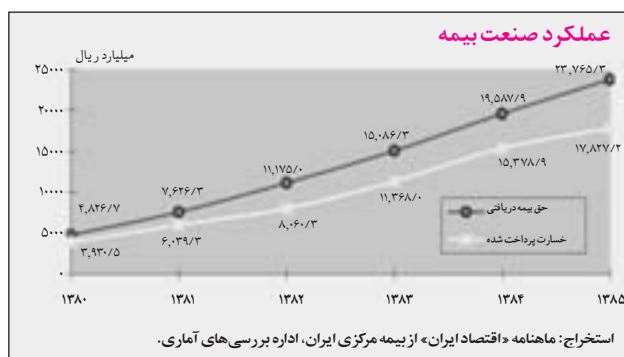
از دیگر تأثیراتی که بیمه بر اقتصاد دارد، تأثیر بر موازنه ارزی است که قبل از توضیح آن، نیازمند تعریفی از بیمه اتکایی هستیم. بیمه اتکایی، در واقع توزیع جهانی ریسک می‌باشد، به این معنی که هر شرکت بیمه، با توجه به سرمایه و امکانات مالی خود، بخشی از ریسک را می‌پذیرد و مازاد یا تمام آن را مجدداً نزد شرکت بیمه بزرگتری بیمه می‌کند که به آن، بیمه اتکایی

پیشرفت بیمه در یک کشور، می‌تواند منجر به حفظ ثروت ملی و تشکیل پس‌اندازهای بزرگ شود و در ارتباطی متقابل با رشد و توسعه اقتصادی، افزایش مبادلات و توسعه سرمایه‌گذاری‌های آن کشور می‌باشد. در واقع صنعت بیمه، با توجه به نقش آن به عنوان یک نهاد سرمایه‌گذار و تعهدش در جبران خسارت، می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصاد کلان و نیز در رشد اقتصادی آن کشور، تأثیر بسزایی داشته باشد.

یکی از اثرات اقتصادی بیمه، حفظ ثروت ملی است. اشخاص و نهادها، می‌توانند ضمانت اموال و تأسیسات خود را با پرداخت حق بیمه مستمر، به شرکت‌های بیمه‌ای واگذار کنند تا در صورت وقوع حادثه، خسارت وارده را از شرکت‌های بیمه‌گر دریافت کرده و بدین طریق، اموال و دارایی‌هایشان از گزند خطر در امان بماند. تأثیر اقتصادی دیگر بیمه، تضمین سرمایه‌گذاری‌ها است. با توجه به این که ایجاد

سرمایه‌گذاری‌های جدید، باعث توسعه و رشد اقتصادی هر کشور می‌شود، تأمین امنیت سرمایه‌ها در تداوم این رشد، از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود و فقط در صورتی که سرمایه‌گذار بداند خطری سرمایه‌اش را تهدید نمی‌کند، اقدام به سرمایه‌گذاری جدید می‌نماید. در این شرایط، بیمه می‌تواند ریسک خطر را کاهش دهد.

از دیگر تأثیرات اقتصادی بیمه، می‌توان به توسعه سرمایه‌گذاری‌ها اشاره کرد. در کلیه



سرمایه‌ها تحت پوشش بیمه‌ای قرار نگرفته و بیمه نیز نتوانسته از طریق دریافت حق بیمه‌ها، به ایجاد پس‌انداز در جهت سرمایه‌گذاری در بازار بپردازد.

۳) توسل به بیمه‌های اتکایی خارجی از معضلات دیگری است که سبب خروج ارز از کشور شده و تراز بازرگانی را به ضرر کشور رقم می‌زند. در صورتی که بیمه اتکایی داخلی می‌تواند، باعث توسعه و رونق صادرات شده و تراز بازرگانی را به نفع کشور تغییر دهد.

۴) عدم تجهیزات کامل در روش‌های محاسباتی و حسابداری، نقیصه دیگری است که به بازرگانی و تجدیدنظر نیاز دارد.

۵) در بخش‌های انرژی، حمل‌ونقل و صنایع و معادن، بیمه، جایگاه واقعی خود را به دست نیاورده و نیاز به پوشش‌های بیمه‌ای در این بخش‌ها، به وضوح ملموس است. راهکارهایی که می‌تواند منجر به توسعه این صنعت

### جایگاه و نقش انجمن‌های صنفی در قانون کار

## مثلث دولت - کارگر - کارفرما

در کشور شود عبارتند از:

۱) توسعه بیمه‌های اتکایی داخلی به منظور کاهش خروج ارز از کشور

۲) افزایش تنوع پوشش‌های بیمه‌ای و کاهش مسؤولیت دولت در جبران خسارت‌ها

۳) افزایش حق بیمه و گسترش دامنه تأمین ریسک در بخش‌های کلان اقتصادی

۴) توسعه و اصلاح روش‌های محاسبات و حسابداری و بهره‌گیری از بهترین و کاراترین نرم‌افزارها

۵) استفاده بهینه از ذخایر فنی (ووجه انباشته شده ناشی از حق بیمه‌های دریافتی)

۶) پیگیری به موقع نمایندگان بیمه، در موارد تعویق حق بیمه

۷) واگذاری صنعت بیمه به بخش خصوصی در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی. ■

دارا می‌باشد؟ لازم به ذکر است که ما باید بستر قانونی شکل‌گیری انجمن‌های صنفی را در کشور مورد بررسی قرار دهیم. در ابتدا اذعان به این نکته حایز اهمیت است که اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی انجمن‌های صنفی را مشروط به عدم نقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی، به رسمیت شناخته است.

بعد از قانون اساسی، قانون کار جمهوری اسلامی ایران، زمینه شکل‌گیری برخی نهادها و رویه‌های سه‌جانبه را فراهم نموده است. شورای عالی کار (بر اساس ماده ۱۶۷)، از مهمترین نهادها در زمینه سیاست‌گذاری در حوزه کار و هیأت‌های تشخیص (بر اساس ماده ۱۵۸) و هیأت‌های حل اختلاف (بر اساس ماده ۱۶۰)، از مهمترین نهادهای رسیدگی‌کننده به دعاوی مربوط می‌باشند.

با این وجود، جای این سؤال همچنان باقی است که در قانون کار جمهوری اسلامی ایران، سه‌جانبه‌گرایی واقعی تا چه میزان از قابلیت تحقق برخوردار است؟ به عبارت دیگر، آیا قانون کار جمهوری اسلامی ایران، امکان شکل‌گیری سه‌جانبه‌گرایی را بر اساس پیش‌شرط‌های منطبق بر استانداردهای بین‌المللی فراهم آورده است؟

### انجمن‌های صنفی

مطابق تعریف جهانی، سازمانی که برای حفظ و توسعه منافع کارگران و کارفرمایان به وجود آمده است، انجمن صنفی تلقی می‌شود. بر این اساس، تشکلهایی نظیر انجمن‌های اسلامی، تعاونی‌های مسکن، تعاونی‌های مصرف و کانون کارگران و مدیران بازنشسته با کارکردهای فرهنگی و رفاهی، اگرچه تشکلات کارگری به معنای عام محسوب می‌شوند، اما از آنجا که تشکلهای کارگری و کارفرمایی مصطلح، تشکلهایی هستند که نمایندگی اعضای خود را در امور مربوط به روابط کار - با هدف حفظ و ارتقای منافع حرفه‌ای اعضای خود، به عنوان یک طرف قرارداد - بر عهده دارند، انجمن صنفی به شمار نمی‌روند و در نتیجه، ذکر این قبیل تشکلات در قانون کار از منظر روابط کار ضرورتی ندارد. انجمن‌های صنفی را در سه سطح می‌توان در نظر گرفت.

۱) انجمن‌های صنفی متشکل از کارگران یعنی اشخاص حقیقی

۲) کانون انجمن‌های صنفی و فدراسیون‌ها که از عضویت تشکلات سطح اول به وجود می‌آیند

۳) اتحادیه‌های مرکزی، کانون‌های عالی و کنفدراسیون‌ها که از دو سطح دیگر متمایز بوده و از به هم پیوستن تشکلات سطح دوم ایجاد می‌گردند.

بنابراین، تشکلات سطح اول می‌توانند در یک منطقه مشخص نظیر استان، چندین کانون اتحادیه صنفی فعال، در یک یا چند صنعت و حرفه تشکیل دهند. همین امر در مورد تشکلات سطح دوم که غالباً در

سه‌جانبه‌گرایی واقعی، برون داد اجتماعی حاصل از تعامل یک دولت مردم‌سالار با سازمان‌های کارگری و کارفرمایی مستقل می‌باشد.



کارگران، به همراه کارفرمایان، به عنوان دو طبقه یا دو قشر با قابلیت تأثیرگذاری بر روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، برای ایفای مؤثر نقش خود، به سازمان‌دهی آزادانه تشکلهای مستقل نیاز دارند. سازمان‌دهی تشکلهای به عنوان یک رفتار اجتماعی از سوی کارگران و کارفرمایان،

مبتنی بر بسترهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی است. سه‌جانبه‌گرایی، معادل فارسی واژه "Tripartism"، در اصطلاح حقوق کار، به معنای دخالت دادن نمایندگان دولت و سازمان‌های کارگری و کارفرمایی در تنظیم روابط کار و تدوین مسایل و امور مربوط به کار می‌باشد. به عبارت دیگر، مشارکت نمایندگان دولت و شرکای اجتماعی (یعنی سازمان‌های کارفرمایی و کارگری) برای اتخاذ تصمیم در زمینه مسایل کار، ناشی از اعمال اصل سه‌جانبه‌گرایی است.

این اصل در کنفرانس عمومی و هیأت‌مدیره سازمان بین‌المللی کار به تصویب رسیده است. امروزه، این اصطلاح در حوزه مسایل کار، در پاسخ به چالش‌های رو به رشد جهانی شدن، بیش از پیش مطرح می‌باشد.